

وقتی که شراب چیزی بیشتر از شراب می شود

چی پیش میاد در داستان عروسی در کنعان؟ کسی که این داستان را می داند حتما توضیح می دهد: شراب تا آخر نوشیده شده بود و دیگر شرابی وجود نداشت و عیسی یک کلیدی برای این مشکل میاورد ، او اب را به شراب تبدیل می کند و دوباره شراب برای مهمانان وجود دارد. و بعدش یک توضیح کوتاهی از یوحنا وجود دارد که ، این کاری که عیسی انجام می دهد نشانه ای از شکوه اوست. بعد از آن ماجرا است که شاگردانش به او ایمان میاورند. این یک داستان خیلی مرتب و تمیز هست که عیسی عروسی را نجات می دهد و در آخر همه برنده هستند و راضی و برای همه شراب وجود دارد. ولی قبل از اینکه ما سریع از این داستان رد بشویم بیابید تا این قضیه را بدقت دوباره نگاه کنیم. اول اینکه ما این را در نظر میگیریم که شراب در طول مهمانی تمام شده است. به همین دلیل این باعث شرمندگی زیادی برای زوج صاحب مهمانی حساب می شده است. دومین نکته این است که ما می توانیم هنر عیسی را ببینیم که چطور شراب می سازد. او برای این کار از 6 عدد پارچ ابی که یهودیان طبق سنت برای شستوشو از آنها بهره می بردند ، استفاده می کند. او به خادمان میگوید که از این پارچ های اب برای مصرف دیگری استفاده کنند که قبلا استفاده نمی شدند، آنها وسایلی بودند که برای شستن دستها از آنها استفاده می شد. سومین نکته این است که در چه موقعیتی ناخوشایندی ، عیسی خادمان را قرار می دهد. آنها چیزی هایی در مورد تهیه شراب می دانستند ، که با وقایع در حال اتفاق هیچ همخوانی نداشت . آنها باید راهی پیدا می کردند تا این وقایع را برای کارشناسان مواد غذایی توضیح بدهند. چهارمین نکته که شاید باعث خجالت بیش از حد داماد باید می شد این بود که این کارشناسان مواد غذایی پیش داماد میامدند و از او بابت این شراب توضیح می خواستند ولی آنها که از طرز تهیه این شراب بی خبر بودند ، پیش داماد رفته و او را تحسین کردند بخاطر شراب جدید که طعم خیلی دلپذیری داشت. البته داماد هم راجع به این شراب چیزی نمی دانست و فقط در این حد اطلاعات داشت که یک جوری این شراب درست شده است. پنجمین نکته این است که این چقدر می تواند خجالت اور باشد که ما از کارشناسان مواد غذایی با پارچ هایی که برای شستشو استفاده می کردیم پذیرایی کنیم. او باید این را برای یهودیان حزب الله بی این را دقیقا توضیح می داده که چرا این کار را کرده است. بالاخره این افراد افراطی یهودی این را ناگهان کشف می کنند که این قانون منسوخ شده ، شستشو چه طعم خوبی دارد. ناگهان این شراب چیزی بیشتر از شراب می شود. همه آن چیزهایی که پیچیده نبود ، پیچیده می شه. هر چیزی که عرف بوده ، غیر متعارف می شود. همه چیزهای آشکار پنهان می شود. همه چیزهای مذهبی جنجال آفرین می شود. همه چیزهای برنامه ریزی شده ، بدون برنامه ریزی پیش می رود. همه چیزهای حرفه ای ، غیر ماهرانه می شود. همه چیزهای استاندارد میشه زپر تی و نامرغوب. اینجاست که ما پی به زیبایی این رخداد و حکایت ان می بریم. زیبایی عیسی در این پیچیدگی، غیرمتعارف بودن، جنجال آفرین بودن ، بدون برنامه ریزی قبلی کار کردن، غیر حرفه ای بودن، و چیزهای نامرغوب خلاصه می شود. او از چیزهایی که اصلا برنامه ای نداشته برای آنها و از بی نظمی و از مواد غیر استاندارد و غیر معمول چیز خوبی تولید کرد و باعث ایمان و جلب اعتماد شاگردانش شد. خیلی پیش آمده که ادماها با یک اتفاق غیر منتظره روبه رو می شوند و بدون هیچ برنامه قبلی به او ایمان میاورند و اعتماد می کنند. قشنگی این داستان از عیسی این است که چیزهایی که واقعا مضحک و جاهلانه به نظر می رسند برای تولید شراب مورد استفاده قرار می گیرند و عروسی را نجات می دهند و به عیسی هم جلال و شکوه می دهند، نه آن چیزهایی که مورد استفاده معمول هستند و امتحان خودشان را پس دادند. این فقط اولین نشانه از نشانه های بی شمار اوست که به هر جهت نجات را برای ما میاورد. و این چیزها تا به امروز هم تکرار می شوند. زیبایی عیسی در این است که او برای ما اینجاست تا گناهان ما را آنها را از بین ببرد و با زشتی این دنیا بجنگد و زندگی جدیدی را به ما هدیه دهد که به خدا وابسته است. زیبایی عیسی در این است که او نجات را در این ساعت در این دنیا و در این اجتماع و در این مکان قرار می دهد: بخشندگی او از طریق آب تمعید بروی پوست ما قرار می گیرد و از طریق کلام او به گوش ما می رسد و از طریق مراسم نان و شراب ، دهان ما نیز از جسم و خون او بهره مند می شود. زیبایی او در این است که او این چیزهای غیر متعارف و نامرغوب و پیچیده را به هم سنجاق می کندو باعث این می شود که حضار به این اقرار کنند که او همه این چیزها را انجام داده و این ها قابل ستایش است. و چرا که نه ؟ ادم نمی تواند خودش را بالاتر از نجات عیسی قرار بدهد و با او بجنگد. ، با عیسی قطعا شراب چیزی فراتر از شراب است و خدا را شاکریم برای این اتفاق! امین